

# محراب نشینان شورشی

نگاهی به تاریخچه هیات آزادی بخش  
غلامرضا اکرمی

«جز انقلاب راهی وجود ندارد و کشیش مسیحی نیز باید راه مبارزه را در پیش بگیرد»  
کامیلتورس

دین یکی از مؤثرترین و دایمی‌ترین پدیده‌هایی است که از دیرباز تاکنون در جوامع انسانی حضور داشته، بر افراد و همچنین تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع اثر گذاشته است. نقش دین در این تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، چنان عمیق و جدی بوده که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. نهضت «الهیات آزادی بخش» که در کشورهای آمریکای لاتین شکل گرفته، نمونه‌ای از این نقش آفرینی دین در تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دنیای معاصر است.

نهضت الهیات آزادی بخش، در قرن ۲۰ درون کلیسای کاتولیک رمی در آمریکای لاتین شکل گرفت و عده‌ای از متفکران، متألهان و رهبران دینی اعلام کردند که کلیسا و ارباب کلیسا نباید در کنار و همکار حکومت‌های خودکامه و همچنین استعمارگران آمریکای لاتین باشند. آنان با استناد به اناجیل (به ویژه انجیل لوقا) ابراز داشتند که مسیحیت به دین فقرا، ستمدیدگان و بیچارگان است و نمی‌تواند (و نباید) نسبت به اوضاع بفرنج مردم فقیر و تحت ستم آمریکای لاتین بی تفاوت باشد. به این ترتیب «جنبش الهیات آزادی بخش» از دل مردم فقیر و توده‌ی مظلوم کشورهای آمریکای لاتین سر بر آورد و گروه‌ها و اجتماعات مسیحی مردمی متعددی به وجود آمد. آنان با الهام گرفتن از زندگی عیسی (ع) و کتاب مقدس و با هدایت رهبران جدید مبارزاتی را علیه حکومت‌های مستبد و خودکامه و همچنین بر ضد غرب استعمارگر و شیطان صفت (به ویژه آمریکا) ترتیب داده و موفقیت‌های بزرگی نیز کسب کردند و در این راه شهادت بسیاری را نیز تقدیم کردند.

نهضت الهیات آزادی بخش در سال ۱۹۶۸ در کنفرانس اسقف‌های آمریکای لاتین در کلمبیا به طور رسمی اعلام موجودیت کرد. متن و اساسنامه این نهضت کتابی است با عنوان «الهیات آزادی بخش» که توسط یکی از رهبران عمده این جنبش، یعنی «گوستاو گوتیرز» در سال ۱۹۷۱ نگاشته شد.

گوتیرز از پرو، رومرو از السالوادور، باف از برزیل، سوپرینو از السالوادور، سگوننو از اروگوئه و یونینو از آرژانتین، از عمده رهبران و ایدئولوگ‌های این نهضت



در کشورهای آمریکای لاتین بودند.

نگارنده در این مقاله در پی معرفی نهضت الهیات آزادی‌بخش و نحوه‌ی تکوین و انتشار آن در کشورهای آمریکای لاتین است. موضوعاتی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است، عبارتند از: پیدایش و تکوین الهیات آزادی‌بخش، توسعه و کمال الهیات آزادی‌بخش، الهیات آزادی‌بخش و مسایل جهانی، موضوعات و محورهای اصلی این مکتب، رهبران و نظریه‌پردازان جنبش و ...

## آمریکای لاتین

از شمال مکزیک تا جنوبی‌ترین نقطه‌ی قاره آمریکا، بیش از ۳۰ کشور وجود دارد که از میان این کشورها، برزیل دارای زبان پرتغالی و بقیه دارای زبان اسپانیایی هستند. آن‌جا که زبان پرتغالی و اسپانیایی از شاخه‌های زبان لاتین محسوب می‌شوند این کشورها را آمریکای لاتین می‌نامند. برخی از مهم‌ترین کشورهای آمریکای لاتین از شمال به جنوب عبارتند از: مکزیک، گواتمالا، السالوادور، نیکاراگوئه، پاناما، کاستاریکا، کلمبیا، پرو، برزیل، بولیوی، پاراگوئه، شیلی، آرژانتین و ... .  
آمریکای لاتین بیش از ۲۱ میلیون کیلومتر مربع مساحت دارد که ۱۵ درصد مساحت کره زمین را شامل می‌شود. در حال حاضر بیش از ۶۵۰ میلیون نفر در این منطقه ساکن هستند که ۹۳ درصد آن‌ها از نظر دینی کاتولیک هستند که شامل یک سوم (۴۲ درصد) کاتولیک‌های جهان است.

## پیدایش و تکوین الهیات آزادی‌بخش

بذرهای الهیات آزادی‌بخش در دهه‌ی ۱۹۶۰ در آمریکای لاتین کاشته شد. متالیهان جوان کاتولیک و پروتستان مقاومت مردم مؤمن مسیحی را در برابر ظلم و شرایط کاری ناعادلانه مورد توجه و تدقیق نظر قرار دادند و سکوت و تأیید دستگاه و اربابان کلیسا را نسبت به این اوضاع محکوم کرده و کوشیدند تا راحلی دینی و الهیاتی برای یاری مردم و حل مشکلات و کاستن از آلام آن‌ها بیابند. اندکی بعد از پیدایش الهیات آزادی‌بخش در آمریکای لاتین، جنبش‌های الهیاتی - انقلابی مشابهی در دیگر نواحی جهان، چون آمریکای شمالی، آفریقا، آسیا و ... ظهور کردند.

رهبران و روحانیان الهیات آزادی‌بخش از خدا و مسیح به عنوان «ناجی» و «نجات‌بخش» توده‌ی فقیر و تحت ستم، نام می‌بردند و تأکید می‌کردند که تلاش برای اجرا و تحقق عدالت با تبلیغ و فعالیت دینی و معنوی همسو و هم‌نوا است. آنان معتقد بودند که مردان و زنان مؤمن باید برای آزادی خویش به

خداوند متعهد شوند

ایده‌ی این الهیات جدید، همان گونه که اشاره شده از جلسات گروه‌های کوچک و جوان کاتولیک (پروتستان) به وجود آمد. آنان جمع می‌شدند و در مورد وضعیت فقر در آمریکای لاتین و مقولاتی از قبیل ارتباط ایمان و فقر، انجیل و عدالت اجتماعی و مدل‌های جدید کلیسایی بحث می‌کردند. یکی از این همایش‌ها در سال ۱۹۶۴ در پترو پلیس برزیل برگزار شد.

شورای دوم واتیکان الهام‌بخش و هادی این رهبران روحانی و غیرروحانی، الهیات آزادی‌بخش شد. شورای دوم واتیکان مدل‌های جدید کلیسا از جمله مدل تبلیغی و تیشیری‌ای را که این متالیهان در آمریکای لاتین توسعه داده بودند را مشخص کرد. در اعلامیه‌ی شورای دوم واتیکان بر عمل و «مأموریت کاتولیکی» تأکید شده و زمینه‌ی نفوذ افراد غیرروحانی را در کلیسا و اجتماعات مسیحی - مردمی فراهم کرد. شورای دوم واتیکان بر عشق و عدالت برای فقیران تأکید می‌کرد و همه‌ی کلیساها و اسقفان و کشیشان را به «بررسی و بازخوانی مشخصات و مقتضیات زمانی در پرتو انجیل» فرا می‌خواند. رهبران (روحانی و غیرروحانی) الهیات آزادی‌بخش در آمریکای لاتین، این رهنمودها را سرآغاز و نقطه شروع فعالیت الهیاتی خود به منظور رهایی مردم فقیر و تحت ستم قرار دادند.

الهیات آزادی‌بخش در سال ۱۹۶۸ به صورت رسمی اعلام موجودیت کرد. در آن سال کشیشی به نام گوستاو گوتیرز، کشیش و نویسنده‌ی اهل پرو، در سطح وسیعی به عنوان رهبر این نهضت شناخته شد. چند ماه بعد، دومین کنفرانس اسقفان آمریکای لاتین در مدلین کلمبیا تشکیل شد. رهبران الهیات آزادی‌بخش در آن حضور مؤثر و پررنگی داشتند. در این کنفرانس، مفاهیم و موضوعاتی چون صلح، عدالت، خانواده، آموزش و پرورش، ضرورت تغییر و تحول در ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع، مبارزه با خشونت و احقاق حقوق فقیران از منظر دینی و اسقفی مورد بررسی قرار گرفت. کوتاه سخن این که اگر شورای دوم واتیکان در پی اصلاح بود، کنفرانس مدلین خواهان تغییرات اجتماعی و فعالیت‌های مدنی بود.

گوستاو گوتیرز در سال ۱۹۷۱ کتاب معروف خود را با عنوان «الهیات رهایی‌بخش» منتشر کرد. این اثر متن کلاسیک و به عبارتی انجیل این جنبش محسوب می‌شد و اصول و موضوعات مختلف الهیات آزادی‌بخش در آن ارائه شده بود.

در همین دوره، گروه‌ها و اجتماعات متعدد مسیحی - مردمی در برزیل، پاراگوئه و گواتمالا به وجود آمده و

به مبارزه با حکومت‌های سرکوب‌گر، ساختار ناعادلانه اقتصادی و ... پرداختند. این گروه‌ها و اجتماعات مسیحی - مردمی شامل ۱۵ تا ۲۰ نفر می‌شد. آنان در نشست‌های هفتگی خود در پرتو انجیل به بررسی مشکلات و وضعیت موجود می‌پرداختند و با مندجستن از خدا و الهام گرفتن از کتاب مقدس برای احقاق حقوق اجتماعی و اقتصادی خود و فقیران مبارزه می‌کردند. مبارزان انقلابی برخاسته از این اجتماعات، بر نمادهای مذهبی - انجیلی مردم، هجرت قلمرو و ملکوت خدا و فنا شدن تکیه داشتند.

## توسعه و کمال الهیات آزادی‌بخش

در این مرحله، رهبران جنبش الهیات آزادی‌بخش، کتب و آثار متعددی را منتشر کردند و طی این آثار، روش‌شناسی، مسیح‌شناسی، کلیساشناسی، معنویت و روحانیتی را که مستقیماً در پی حل مشکلات فقرا و مستضعفان بود را معرفی کرده و بسط دادند. این آثار به تنظیم و ترویج دیدگاه‌های بنیادینی پرداخت که در پی نجات اساسی مردم مستضعف بود. ابعاد و سطوح این فرایند نجات‌بخشی، عبارت بودند از:

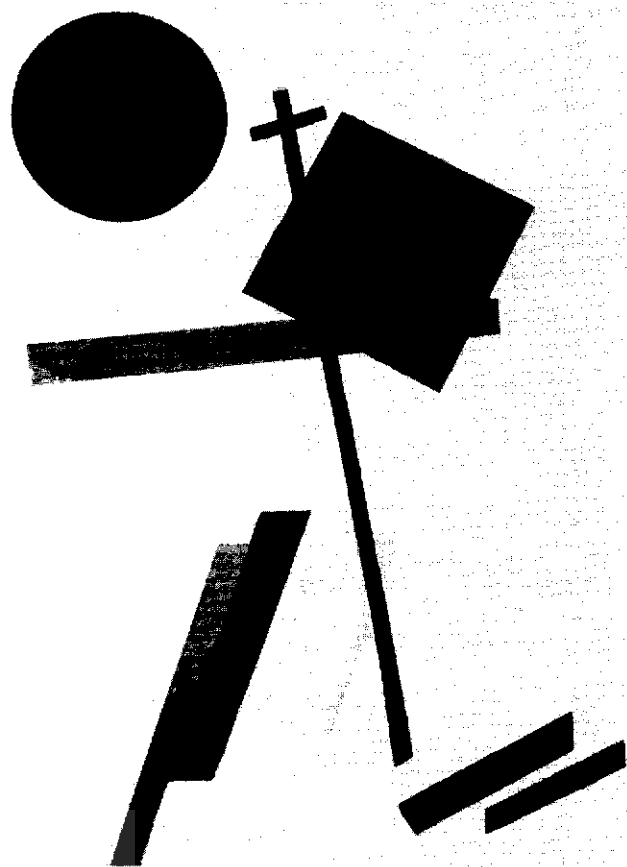
- ۱- نجات‌بخشی شیوه‌ای برای تغییر اوضاع مادی و تلاش برای فراهم آوردن نیازهای اولیه حیاتی چون غذا، مسکن و بهداشت است.
- ۲- نجات‌بخشی، اعطای حقوق و فرصت انتخاب به اشخاص و گروه‌ها برای تعیین سرنوشت و مقدرات خود است.
- ۳- نجات‌بخشی در عمیق‌ترین سطح آن به معنی ارتباط با خدا و همسایه است که صلح و شادی به دنبال دارد.

عده‌ای از رهبران و متالیهان این جنبش کسانی چون باف، گرا و آسمن بر ایمان و معنویت فقرا و همچنین بر تغییرات ساختاری تأکید داشتند و عده‌ای دیگر چون دوسل، الاکوریا و سگونو کلیسای کاتولیک و الهیات سنتی آمریکای لاتین که از «وضع موجود» حمایت می‌کرد را مورد تجزیه و تحلیل و انتقاد قرار دادند.

نهضت الهیات آزادی‌بخش با مخالفت جدی ارتش‌ها، دیکتاتورها و حکومت‌های خودکامه مواجه شد. عده‌ی زیادی از مبارزان و مردم و جوانان در پاراگوئه، برزیل، گواتمالا، هائیتی، نیکاراگوئه و ... به اتهام خراب‌کاری و تروریست بودن دستگیر، شکنجه، زندانی و یا سرکوب می‌شدند.

چند واقعه به گسترش و بسط الهیات آزادی‌بخش کمک کرد:

- ۱- همایش آل - اسکوریال در نزدیکی مادرید در



همه‌ی ابعاد وجودی انسان، از جمله سیاست، انسانیت و معنویت نفوذ می‌دهد.

### الهیات آزادی‌بخش و مسایل جهانی

الهیات آزادی‌بخش در مسیر تکوین و پیشرفت خود، علاوه بر مسایل داخلی به مسایل جهانی، چون بحران محیط زیست، اخلاق زیست محیطی، تروریسم، بیکاری، فقر و ... نیز توجه نشان داد و همزمان با پیشرفت‌ها و تحولات وسیعی که در سطح جهان صورت گرفت، رهبران و علمای دینی نهضت الهیات آزادی‌بخش نیز گستره‌ی بحث‌ها و بررسی‌های خود را بسط و تعمیق بخشیدند، رهبران جنبش به موضوعات جهانی‌سازی و نظام سرمایه‌داری، توجهی جدی نشان دادند و ابراز داشتند که این پدیده‌ها باعث تقویت و وخیم‌تر شدن فقر، مشکلات فقرا و شکاف و تضاد طبقاتی شده است. آنان الگویی متفاوت از جهانی شدن را ارائه و دنبال می‌کنند که آن جهانی‌شدن صلح، عدالت، عشق، انسانیت و مساوات اقتصادی است.

همچنین رهبران جنبش اعلام کردند که بدهی‌های بیش از حد کشورهای چون برزیل و آرژانتین و مکزیک باید بخشیده شود، زیرا ادامه‌ی این بدهی‌ها و پرداخت سود آن‌ها، اصولاً ناعادلانه و به ضرر فقرا و باعث افزایش فقر است.

توجه به جنبش‌های الهیاتی زنان و تأکید بر اتحاد زنان و مردان مؤمن در مبارزه علیه ظلم و تبعیض از دیگر دیدگاه‌های این جنبش بود.

دیگر این که الهیات آزادی‌بخش، فردگرایی نتولیبرال را مورد نقد قرار داد، زیرا آن را باعث از بین رفتن پایه‌های عمل گروهی، اخلاق، خیر مشترک، حقوق بشر و محیط زیست می‌دانست.

الهیات آزادی‌بخش، الهیات عشق، صلح و عدالت بود و خشونت نه به عنوان یک هدف و نه به عنوان یک روش، در چارچوب اصلی و عناصر بنیادین آن راه نداشت، اما مبارزان و انقلابیون وابسته به نهضت الهیات آزادی‌بخش در بسیاری از موارد برای حفظ جان و موجودیت خود و در مقابل خشونت‌های ارتش سرکوب‌گر، به ناچار به اقدامات خشونت‌بار روی می‌آوردند. برخی از رهبران جنبش الهیات آزادی‌بخش چون کامیلو تورس، گوستاو گوتیرز و بونینو طرفدار آینده «فقط انقلاب و قیام»

و شورش برای احقاق حقوق فقیران و رفع تبعیض بودند و از دیگر سو کسانی مانند هلدر کامرا و اوسکار رومرو در عین پذیرش انقلاب بر حرکت‌های آرام و غیرخشن تأکید می‌کردند.

### محورها و موضوعات اصلی الهیات

#### آزادی‌بخش

۱- الهیات رهایی‌بخش به افراد تهیدست و ستمدیده توجه دارد. تهیدستان منبع اصیل الهیات در درک حقیقت مسیحیت و عمل به آن هستند. در اوضاع و احوال آمریکای لاتین، کلیسا هوادار تهیدستان و خداوند بی هیچ تردیدی، جنبش تهیدستان را گرفته است. از نظر الهیات رهایی‌بخش، تنها کلام خدا، راه و رسم مسیحیایی عیسی و پیروان او است. راه و رسمی که از طریق عمل متعهدانه‌ی خود فقرا، آن گاه که برای رهایی خود از ستم اقدام می‌کنند، کشف می‌شود.

۲- الهیات آزادی‌بخش تأملاتی انتقادی در مسایل علمی دارد. به قول گوتیرز «الهیات تأملی نقادانه درباره‌ی عمل مسیحیت در پرتو کلام خداست.» الهیات منفصل از واجبات اجتماعی یا کنش سیاسی نیست و نباید نیز چنین باشد. الهیات کلاسیک غرب، عمل را نتیجه تأملات می‌داند و این در حالی است که الهیات رهایی‌بخش ترتیب را به عکس می‌داند، ابتدا عمل آغاز می‌شود و در پیامد آن تأملات انتقادی می‌آید. الهیات باید از تبیین کردن جهان باز ایستد و به دگرگون کردن جهان بپردازد.

۳- الهیات رهایی‌بخش از وسعت نظر بالایی برخوردار بوده و کتاب مقدس در آن به عنوان روایت رهایی خوانده می‌شود، رهایی بنی‌اسرائیل از اسارت مصر، نکوهش ستم کاری از سوی پیامبران و اعلام بشارت به تهیدستان و رانده‌شدگان توسط عیسی دارای اهمیت خاصی است. در الهیات آزادی‌بخش، عیسی نجات‌بخش به سفر خروج و آزادی بنی‌اسرائیل از جنگال فرعون، به عنوان جلوه‌ی تاریخی و عیسی نجات‌بخش خداوند توجه خاصی شده است.

۴- الهیات رهایی‌بخش مایل بوده است که رستگاری را با رهایی برابر بداند و بر جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رستگاری تأکید کرده است. این جنبش تأکید خاصی بر مفهوم «گناه ساختاری» کرده و خاطر نشان می‌کند که این جامعه است که به فساد کشیده شده و نیازمند به پاک‌سازی و رهایی است.

#### رهبران و نظریه‌پردازان الهیات آزادی‌بخش

۱- گوستاو گوتیرز در سال ۱۹۲۸ در شهر لیای کشور پرو به دنیا آمد. او در رشته‌ی داروسازی تحصیل کرده بود و در عین حال، تربیت کشیشی نیز دیده بود. او

سال ۱۹۷۲ که طی آن متکلمان الهیات آزادی‌بخش با عالمان دینی اروپایی به بحث و تبادل نظر پرداختند.

۲- نشست دوباره‌ی عالمان دینی آمریکای لاتین و اروپا در سال ۱۹۷۵ در مکزیکوسیتی

۳- نشست متألهان آمریکای لاتین و شمال آمریکا در ترویت.

۴- اجلاس اسقفان و کشیشان جهان سوم در تانزانیای سال ۱۹۷۶

در سال ۱۹۷۹ سومین کنفرانس اسقف‌های آمریکای لاتین در پانویلا (مکزیک) تشکیل شد و به رغم مخالفت‌هایی که با الهیات آزادی‌بخش از سوی برخی اسقفان و متکلمان مرتجع و محافظه‌کار صورت گرفت، در اعلامیه‌ی پایانی کنفرانس اکثریت اسقفان بر حمایت از فقرا و تلاش برای احقاق حقوق آن‌ها و احیای عدالت تأکید کردند.

در دهه‌ی ۱۹۸۰ رهبران جنبش بر نقش زنان و رنگین‌پوستان و نژادهای مختلف در جنبش‌های مقاومت در انقلاب‌ها تأکید کردند.

عناصر اصلی الهیات آزادی‌بخش که سرلوحه‌ی فعالیت رهبران جنبش‌های مقاومت بود، عبارتند از:

- ۱- تأمل، تفکر و تحلیل درباره‌ی وضعیت موجود در پرتو کتاب مقدس
- ۲- تأکید و تمرکز بر حیات دینی مردم و مظلومان
- ۳- استفاده از ابزار تحلیل علمی - اجتماعی برای درک سیاست‌های عمومی و نهادی
- ۵- تأکید بر عمل منطقی در تغییر انسان و ارتباطات اجتماعی
- ۶- رویکردی بنیادین که ملکوت الهی را در



دری آمیزش سوسیالیسم و مسیحیت بود. گوتیرز کتاب مشهور خود با عنوان «الهیات رهایی بخش» را در سال ۱۹۷۱ منتشر کرد. این کتاب از متون کلاسیک الهیات آزادی بخش است.

۲- لئوناردو باف در سال ۱۹۳۸ در برزیل متولد شد بعد از تحصیل در اروپا به کسوت یک کشیش فرقه فراسیسکن درآمد. مقالات متعددی به زبان پرتغالی منتشر کرد و همچنین در مورد الهیات آزادی بخش آثاری را منتشر کرد. در نهایت فعالیت‌های او باعث رویارویی با واتیکان شد و حتی مدتی از سخنرانی و انتشار مقاله باز داشته شد. برخی از آثار او عبارتند از: «کلیسا، فرهنگ و قدرت»، «درآمدی بر الهیات آزادی بخش» و «عیسی مسیح نجات بخش»

۳- ج. ل. سگونو، متولد ۱۹۲۵ در کشور اروگوئه و یکی از کشیشان فرقه یسوعی بود. در اروپا تحصیل کرد و کتابی با عنوان «الهیات آزادی بخش» (۱۹۶۰) منتشر کرد. کتاب‌های دیگر او عبارتند از: «اجتماعی به نام کلیسا»، «الهیات و کلیسا» و «الهیات سازنده انسان جدید»

۴- ج. م. بونیو نویسنده و اندیشمند آرژانتینی که یک روحانی و متأله متدیست بود و در آمریکا تحصیل کرده بود. کتاب‌های او عبارتند از: «عملکرد الهیات در اوضاع انقلابی» (۱۹۷۵) و «جلوه‌های عیسی، مسیح‌شناسی آمریکا لاتین» / (۱۹۸۴)

۵- ج. سوپرینو، نویسنده و روحانی یسوعی اسپانیایی که در آلمان به تحصیل پرداخت و از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ شروع به نوشتن کرد. کتاب معروف او «مسیح‌شناسی برسر دو راهه» (۱۹۷۸) نام داشت.

۶- کامیلو تورس، او در سال ۱۹۲۹ در بوگوئو پایتخت کلمبیا متولد شد. پدر و مادر او پزشک بودند، در رشته جامعه‌شناسی و حقوق تحصیل کرد. او می‌خواست مسایل اجتماعی را در چارچوب دین و به اقتضای ارزش‌ها و هنجارهای کلیسا حل کند. او سخنرانی‌های متعددی را ایراد کرده و مقاله‌های متعددی درباره‌ی اوضاع آمریکای لاتین و مبانی و شیوه‌های الهیات آزادی بخش نوشت. کامیلو تورس در سال ۱۹۶۵ در یک جنگ چریکی به کشته شد.

۷- هلدر کامارا (۱۹۰۹)، اسقف برزیلی و از فعالان جنبش الهیات آزادی بخش بود و باعث گسترش مبارزات انقلابی در سرتاسر آمریکای لاتین شد. او از سوی واتیکان مورد انتقاد قرار گرفته و کمونیست خوانده شد. وی طرفدار مبارزه‌ی آرام

و خالی از خشونت بود. برخی از آثار او عبارتند از: «تلاطم خشونت» (۱۹۷۱)، «امیدی در مقابل همه امیدها»، «سوالاتی در مورد زندگی» و «زیارت مدینه فاضله»

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- الهیات آزادی بخش بر آگاهی جهانی افزود و باعث شد که پرده از چهره‌ی زشت ساختارهای ناعادلانه‌ی اقتصادی و اجتماعی آمریکای لاتین کنار زده شود.

۲- این جنبش محدود به آمریکای لاتین نماند و به دیگر قاره‌ها و کشورها وارد شد و زمینه را برای گفت‌وگوهای چندجانبه الهیاتی، تربیتی، اخلاقی و دانشجویی در شمال آمریکا، آفریقا و آسیا آماده کرد.

۳- الهیات آزادی بخش کلیسای کاتولیک را به



چالش کشید و همکاری آنان را با استبداد و استعمار محکوم کرد، کلیسا را از سکوت و محافظه‌کاری نهدی کرد و کوشید تا تفسیر و برداشتی نو از کتاب مقدس به مقتضای زمانه برای حل مشکلات توده‌ی محروم و مستضعف ارائه دهد. الهیات آزادی بخش نهضتی در درون سیستم کلیسای کاتولیک بود و شاید بتوان آن را «پروتستانی دیگر» یعنی پروتستان سیاسی - اجتماعی و یا پروتستان فقرا نامید.

۴- الهیات آزادی بخش، الهیات امید، الهیات انقلاب و الهیات فقرا بود و باعث تابش نور امید به دل ملل محروم به ویژه ملت‌های فقیر آمریکای لاتین شد و فصل تازه‌ای در تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آمریکای لاتین گشود و باعث بروز انقلابات مردمی و

سقوط بسیاری از حکومت‌های استبدادگر و آلت دست استعمارگران شد. یکی از دغدغه‌های اصلی رهبران این جنبش این بود که پرداختن به اصلاحات بنیادین اجتماعی و سیاسی بخشی از رسالت مسیح و مسیحیت در دنیای امروز است.

۵- الهیات آزادی بخش نشان داد که دین همچنان پدیده و ابزاری کارآمد برای اصلاح جوامع انسانی، انقلاب و احقاق حقوق انسانی است. این جنبش ثابت کرد که دین ساخته و پرداخته‌ی خداوندان قدرت و ثروت و همچنین افیون ملت‌ها نیست: «در گیر و دار زندگی هشیار باش و با سربلندی تلاش کن، زیرا آزادی تو امری حتمی الوقوع است.» (لوقا ۲۸)

۶- الهیات آزادی بخش هشدار داد که دین و رهبران دینی نباید دست در دست استکبار و استعمار باشند و نباید به چپاول و احياناً تحمیق و استحمار توده‌ها بپردازند، چرا که دین اصولاً برای نجات و آزادی فردی و اجتماعی انسان‌ها به ویژه فقرا آمده است. دین و دین‌داران باید با مبارزه در راه اجرای عدالت و رفع فقر و تبعیض در جوامع خود راهی برای ورود به «ملکوت الهی» آماده کنند و ملکوت الهی، ملکوت صلح، عدالت و آزادی در تمام اشکال آن است. «جز انقلاب راهی وجود ندارد. کشیش مسیحی نیز باید راه مبارزه را پیش گیرد.» (کامیلو تورس)

۷- الهیات آزادی بخش مکتب و جنبشی جوان است و به انحاء و اشکال مختلف در حال گسترش است و تاکنون توانسته تحولات و تغییرات عمده‌ای را در کشورهای آمریکای لاتین ایجاد کند و در این راه خون‌های بسیاری داده و شهدای بسیاری تقدیم کرده است. الهیات آزادی بخش پرچم‌دار مبارزه با امپریالیسم جهانی، سرمایه‌داری ظالمانه و استعمار به ویژه امپریالیسم شیطان‌صفت آمریکا است. این جنبش در مسیر کمال و پختگی خود چه در مقیاس منطقه‌ای و چه در مقیاس بین‌المللی، تحولات بزرگی را ایجاد کرده است و این اصلاح‌گری و تحول‌آفرینی همچنان ادامه دارد. به گفته‌ی کامیلو تورس در کتاب «آمریکای لاتین، دنیای انقلاب»، «همی توان از پیشرفت تمسن و آزادی این ملت‌ها جلوگیری کرد، نه با دلار، نه با سرنیزه، نه با کمک اقتصادی، نه با تبلیغات و نه با دیکتاتوری‌های آلت دست.»

\* منابع و پانویس‌ها در دفتر مجله موجود است